

تحولات طریقت دانیالیه در گرمسیرات فارس از قرن هفتم تا دهم هجری قمری

نوع مقاله: پژوهشی

یونس صادقی^۱/مجتبی خلیفه^۲

چکیده

طریقت دانیالیه به رهبری شیخ دانیال از مهم‌ترین طریقت‌های تصوف در نواحی گرمسیرات فارس است. این طریقت متأثر از اندیشه‌های شیخ ابواسحاق کازرونی (۳۵۲-۴۲۶ق)، مؤسس طریقت «کازرونیه»، در قرن هفتم هجری تأسیس شد. کانون آن خنج، به‌عنوان یکی از ایستگاه‌های کاروانی شیراز به سمت لار و هرموز، شاهد شکل‌گیری کانون‌های فکری گوناگون بوده است. با همه اهمیت که طریقت دانیالیه دارد، تاکنون درباره شخصیت بنیانگذار آن و کم و کیف این طریقت تحقیقی مستقل انجام نشده است. نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که رابطه طریقت دانیالیه، به‌عنوان فرقه‌ای صوفیانه، با تحولات اجتماعی-سیاسی گرمسیرات فارس در قرون میانه چگونه بوده است؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد طریقت دانیالیه از طریق ایجاد خانقاه و مساجد در گسترش شهرنشینی خنج نقشی مستقیم و مستمر داشت. به علاوه، در اوج دانیالی، در دربار ملوک هرموز، نقشی فعال در منازعه با ملوک کیش ایفا کردند و همچنین از طریق ارتباط با دیگر طریقت‌ها، از جمله «قاتالی» و «شمسیه»، شبکه روابط فکری خود را در نواحی پس‌کرانه‌ای خلیج فارس توسعه دادند. واژگان کلیدی: فارس، گرمسیرات، دانیالیه، شیخ دانیال، هرموز، خنج.

Evolution of the Danialiyeh Sect in the Garmsirat of Fars from the 7th to the 10th Century AH

Younes Sadeghi³/Mojtaba Kalifeh⁴

Abstract

The Danialiya Sect, led by Sheikh Daniel, is one of the most important Sufi Sects in the Garmsirat province of Fars. Its focal point is in Khonj which is one of the caravan rest areas on the way to Shiraz towards Lar and Hormuz, witnessed the formation of intellectual centers. By borrowing from the ideas of Sheikh Abu Is'haq Kazeruni (352-462 AH), the founder of the Kazerunyah sects, so far no independent research has been done on the personality of the founder and original sources about this sect. The present article, in a descriptive-analytical way, tries to answer the question of How did the Danialiya sects as a Suffid sect effected Socio-political of Garmsirat of Fars In the Middle Ages? The findings of this study indicates that the Danialiyah sect has played a direct and continuous role in the development of urbanization through the construction of Khanqahs and mosques by the dervishes in Khonj. In addition, at the court of the kings of Hormuz, the Danish dervishes played an active role in the conflict with the kings of Kish, and also causing the Development of a network of intellectual relations in the post-coastal areas of the Persian Gulf, through cultural contacts with other sects, including the "Qatali" and the "Shamsiyah".

Keywords: Fars, Garmsiryat, Danialiyeh, Sheikh Daniel, Hormoz, Khonj.

۱. دانشجوی دکتری ایران‌شناسی، بنیاد ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. (نویسنده مسئول). * تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۷/۶ * تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۱۰/۸

3. Phd candidate of Iranology, Iranology Foundation of shahid beheshti University, Tehran, Iran.

Email: ysadeghi89@gmail.com.

4. Assistant professor, departrment of History, Birjand univercity, Birjand, Iran. Email: mkhalifeh@birjand.ac.ir.

مقدمه

در سنت جغرافی‌نویسی ایرانی-اسلامی فارس و کرمان به دلیل تنوع آب‌وهوایی به دو بخش گرمسیرات (جروم) و سردسیر (صروم) تقسیم می‌شده است.^۱ این تقسیم‌بندی فقط شامل ویژگی‌های طبیعی نمی‌شده است. مناطق گرمسیر به تدریج و در طول زمان به یک محیط هم‌بسته فرهنگی تبدیل شدند و در برخی شرایط به وحدت فرهنگی قابل توجهی رسیدند. یکی از این مناطق هم‌بسته فرهنگی در جنوب ایالت فارس قرار داشت که در متون فرهنگ جغرافیای تاریخی با عنوان «گرمسیر» یا «یراهستان» (به معنای کناره دریا) شناخته شده است.^۲ مهم‌ترین شهرهای باستانی شناخته‌شده این ناحیه شامل سیراف، فال، خنج، لار، هرموز و کیش بود. اساس اقتصاد این مناطق، با توجه به کمبود آب، بر اقتصاد تجاری استوار بود و در واقع گرمسیرات فارس نقش میانجی اقتصادی را بین بنادر و بخش‌های شمالی یا سردسیر فارس ایفا می‌کردند. وحدت جغرافیایی این مناطق در طول تاریخ موجب هم‌بستگی فرهنگی آنان شده است و جریان‌های فکری این ناحیه با گرایش به تصوف نقشی اساسی در فرهنگ و اقتصاد منطقه ایفا کرده‌اند.^۳ از این میان می‌توان به جریان‌های فکری یا، با تسامح، «فرقه‌های» گوناگون گرمسیرات از جمله کازرونیه، قتالی، عبدالسلام، دانیالیه و شمسیه و قطبیه اشاره کرد که از قرن پنجم تا دهم هجری قمری نقش مهمی در حیات اجتماعی و اقتصادی منطقه گرمسیرات داشتند. پیوند تصوف جنوب فارس با مجامع بازرگانی دریایی مهم‌ترین ویژگی این منطقه محسوب می‌گردد.

شیخ رکن‌الدین دانیال (وفات در نیمه دوم قرن هفتم) از عرفا و علمای مشهور فارس در قرن ششم و هفتم قمری است. او پایه‌گذار طریقتی در نواحی گرمسیری فارس گردید که به اسم او به «طریقت دانیالیه» یا «دانیال» مشهور شد. در قرن پنجم هجری نشانه‌هایی از فرقه «کازرونیه»، منتسب به شیخ ابواسحاق کازرونی (۴۲۶-۳۵۲ق)، در بخش جنوب شرقی خنج و اطراف کاریان در جنوب فارس وجود داشت که بنا به دلایل نامشخص به تدریج به سمت خنج کشیده شد. در قرن ششم رکن‌الدین دانیال که از مریدان شیخ ابواسحاق کازرونی و از شاگردان مکتب او محسوب می‌شد، حیات فکری این طریقت را تداوم بخشید.^۴ شیخ دانیال در جوانی ترغیب شد به درویشان فرقه کازرونی بپیوندد. او توانست با رفتار

۱. اصطخری، المسالك والممالك، تحقیق ابوزید احمد بن سهل (لبنان: دار صادر، بی‌تا)، ص ۱۵۹؛ محمد بن شمس‌الدین مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم (بیروت: دار صادر، بی‌تا)، ص ۴۶۸؛ ابن حوقل، صورة الارض، ج ۳ (بیروت: دار صادر، ۱۹۳۸م)، ص ۳۰۸.

۲. ابن بلخی، فارس‌نامه، براساس متن مصحح لسترنج و نیکلسون (شیراز: بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۷۴)، ص ۴۳۸؛ شهاب‌الدین حافظ ابرو، جغرافیای حافظ ابرو، ج ۲ (تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۸)، ص ۱۲۸.

۳. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: محمدباقر وثوقی، علل و عوامل جابه‌جایی کانون‌های تجاری در خلیج فارس (تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۸۹)، ص ۱۳۲ و ۱۶۸.

۴. محمدباقر وثوقی، خنج گذرگاه باستانی لارستان (قم: خرم، ۱۳۷۴)، ص ۳۰ و ۴۶.

خویش مورد احترام و توجه مردم واقع شود و شاگردانی را گرد خویش جمع نماید و خانقاه او از رونق بسیار برخوردار گردد.^۱ شکل‌گیری و رونق خانقاه «شیخ دانیال» به‌مرور باعث تحولات اجتماعی و اقتصادی در گرمسیرات فارس گردید.

در قرن هشتم طریقتی جدید به نام «شمسیه»^۲ ظهور کرد که در کنار دانیالی‌ها قرار گرفت و تا قرن دهم هجری قمری دوره‌ای از تقابل و تسامح را شکل دادند.

نخستین بار محمدامین خنجی در سال ۱۳۳۴ در کتاب *لارستان کهن*، با تکیه بر یافته‌های پژوهشی و گفته‌های معتمدین محلی، به ذکر زندگی و زمانه شیخ دانیال پرداخت.^۳ اطلاعات او سال‌ها بعد در کتاب *مشاهیر نامی خنج باز چاپ شد*.^۴ ژان اوبن فرانسوی نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مسیر کاروانی سیراف از طریق خنج و فال»، ضمن بررسی تغییرات عمده مسیره‌های تجارتنی گرمسیرات فارس، به‌اختصار به نقش طریقت دانیالیه در تحولات منطقه اشاره کرده است.^۵ محمدباقر وثوقی^۶ در کتاب *خنج گذرگاه باستانی لارستان زندگانی و تأثیرات اجتماعی طریقت دانیالیه و مؤسس آن را بررسی و تحلیل کرده است*.^۷ همو در کتاب *سقینه روح‌الله* برای اولین بار به معرفی نسب‌نامه جدیدی از شیخ دانیال براساس نسخه خطی اشعار شاه زین‌العباد بیرمی پرداخته است.^۸ مقاله مفصلی نیز به قلم محمدعلی مخلصی با عنوان «بقعه شیخ دانیال خنج و منار تاریخی آن (با تأکید بر کتیبه‌های تاریخی آن)» در سال ۱۳۸۵ نگاشته شده که دربردارنده ویژگی‌های معماری خانقاه و بقعه شیخ دانیال است.^۹

در سال ۱۳۹۸ اعظم رحیمی جابری مقاله‌ای با عنوان «میراث اجتماعی و فرهنگی طریقت مرشدیه در شهر خنج و نواحی جنوبی آن (سده‌های هفتم و هشتم)» به نگارش درآورد.^{۱۰} در این مقاله به نقش طریقت مرشدیه در خنج اشاره شده، در صورتی که حمدالله مستوفی، مورخ قرن نهم، از دانیالیه و مرشدیه

۱. محمود بن عثمان، *فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه*، به کوشش ایرج افشار (تهران: کتابخانه دانش، ۱۳۵۸)، ص ۴۲۶.
۲. بنیانگذار این طریقت شیخ محمد ابونجم (۷۰۴-۷۸۶) بود. این طریقت در قرن هشتم تا اواخر قرن نهم در گرمسیرات فارس مسلط بود (برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: محمدباقر وثوقی، یونس صادقی، «معرفی طریقت شمسیه در گرمسیرات ایالت فارس از قرن هشتم تا اواخر قرن نهم هجری، با تأکید بر تذکره‌های نویافته»، *پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران*، س ۹، ش ۱، پیاپی ۱۷ (پاییز و زمستان ۱۳۹۹)، ص ۷۹-۹۸).
۳. احمد اقتداری، *لارستان کهن* (تهران: چاپخانه رنگین، ۱۳۳۴)، ص ۱۶۸-۱۷۰.
۴. محمدامین خنجی، *مشاهیر نامی خنج* (تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز، ۱۳۸۶)، ص ۵۲-۵۳.
5. Jean Aubin, "La survie de shilsu et la ruote du khunj-o-Fal", *Iran*, No. 7 (London, 1969), pp. 21-37.
۶. از جناب آقای دکتر محمدباقر وثوقی برای راهنمایی سودمند خود در این مقاله کمال تشکر را داریم.
۷. وثوقی، *خنج گذرگاه باستانی لارستان*، ص ۴۵-۵۲.
۸. *سقینه روح‌الله: مجموعه‌ای از اشعار شاه زین‌العباد بیرمی*، پژوهش، پیشگفتار و مقدمه: دکتر محمدباقر وثوقی و محمدحسین سلیمانی، با همکاری سید حسن زندوی (تهران: نگارستان اندیشه، ۱۳۹۶)، ص ۴۱.
۹. محمدعلی مخلصی، «بقعه شیخ دانیال خنج و منار تاریخی آن (با تأکید بر کتیبه‌های تاریخی آن)»، مجموعه مقالات *متون و کتیبه‌های دوران اسلامی* (پژوهشکده زبان و گویش با همکاری اداره کل امور فرهنگی، ۱۳۸۵)، ص ۲۰۵-۲۴۵.
۱۰. اعظم رحیمی جابری، «میراث اجتماعی و فرهنگی طریقت مرشدیه در شهر خنج و نواحی جنوبی آن (سده‌های هفتم و هشتم)»، *فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ دانشگاه آزاد*، س ۱۴، ش ۵۴ (پاییز ۱۳۹۸)، ص ۱۲۷-۱۴۸.

به‌عنوان دو کانون فکری مجزا نام برده است.^۱ همچنین رحیمی با اتکا به مقاله‌ای از الله‌قلی اسلامی (۱۳۵۲)، کتیبه اطراف مناره شیخ دانیال را به نام امامان شیعه دانسته است، حال آنکه پیشتر محمدعلی مخلصی در مقاله خود این اشتباه تاریخی الله‌قلی اسلامی را تصحیح کرده بود.

تاکنون پژوهشی مستقل درباره «طریقت دانیالیه» نگاشته نشده است و منابع مطالعاتی بسیار اندکی درباره این جریان فکری صوفیانه وجود دارد. نوشتار حاضر بر آن است تا با بررسی متون دسته اول تاریخی و منابع تحقیقاتی به زندگی پایه‌گذار این فرقه و معرفی طریقت دانیالیه در سده‌های میانه پردازد و رابطه طریقت دانیالیه، به‌عنوان یکی از فرقه‌های صوفیانه جنوب، با تحولات اجتماعی-سیاسی گرمسیرات فارس را به‌عنوان پرسش اصلی این نوشتار ارزیابی کند. از همین روی، سه فرضیه در پژوهش حاضر لحاظ گردیده است: نقش طریقت دانیالیه در توسعه شهرنشینی خنج از طریق ایجاد خانقاه، مسجد و رفت‌وآمد زائران، ارتباط سیاسی در اویش دانیالی در منازعه حاکمان ملوک هرموز و کیش، توسعه شبکه روابط فکری دانیالیه بر اثر ارتباط با طریقت‌های قتالی و شمسیه در مناطق پس‌کرانه‌ای خلیج فارس.

زندگی و زمانه شیخ دانیال

نام شیخ دانیال برای اولین بار در کتاب *فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه* از منابع قرن هشتم آمده که از «شیخ دانیال هنگی» به‌عنوان مرید شیخ ابواسحاق کازرونی یاد شده است.^۲ شیخ شهاب‌الدین دانیالی، از نوادگان شیخ دانیال، در قرن دهم هجری در *رساله الفقریه* از جد خود با عنوان «سید الاقطاب و الابدال» یاد کرده است.^۳ از تاریخ تولد و وفات رکن‌الدین دانیال اطلاع دقیقی در دست نیست. محمدامین خنجی و ژان اوین، از پژوهشگران معاصر، با اشاره به حکایتی از فوت محمود فضل که هم‌عصر شیخ دانیال بوده است، سال وفات او را قبل از ۶۵۰ هجری قمری دانسته‌اند.^۴ مؤلف تاریخ گزیده سال فوت او را هفتصد و ده می‌داند.^۵ در نسخه خطی *تذکره تحفه الراغبین*، از منابع طریقت قتالی^۶ در جنوب ایران، به ورود شاه سیف‌الله قتال در سال ۶۵۷ هجری قمری از عراق به سواحل خلیج فارس و تمایل او به هم‌صحبتی با شیخ دانیال اشاره شده است. محمدباقر وثوقی از این مطلب نتیجه می‌گیرد که شیخ دانیال در این تاریخ حیات داشته است.^۷ این ادعا در دیوان منظومه شعری *تحفه القلوب*^۸، از دیگر منابع مهم طریقت قتالی،

۱. حمدالله مستوفی، تاریخ گزیده، مصحح عبدالحسین نوایی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴)، ص ۶۷۵.

۲. محمود بن عثمان، ص ۴۲۶.

۳. شهاب بن علاء بن علی دانیالی، نسخه خطی *رساله الفقریه*، ۹۴۱ق، موزه ملک، شماره بازیابی ۴۲۱۴، برگ ۲۰.

۴. محمدامین خنجی به نقل از اقتداری، ص ۱۷۰؛ Aubin, pp. 21-37.

۵. مستوفی، تاریخ گزیده، ص ۶۷۵.

۶. بنیانگذار این طریقت شاه سیف‌الله قتال از عرفای قرن هفتم (متوفی در ۶۷۴ هجری) بود.

۷. وثوقی، خنج گذرگاه باستانی لارستان، ص ۸.

۸. سید ابراهیم سید خلیل، نسخه خطی *تحفه القلوب*، تحت تملک سیدعبدالباعث قتالی از معتمدین محلی بندر خمیر، برگ ۷۰.

نیز تأیید می‌گردد. پس، با توجه به شواهد موجود، شیخ دانیال تا نیمه دوم قرن هفتم هجری قمری در قید حیات بوده است.

سلسله‌نسب خانوادگی شیخ دانیال

تا پیش از چاپ نسخه خطی سفینه روح‌الله (مجموعه‌ای از اشعار شاه زین‌العباد بیرمی متخلص به «عابد»، شاعر و عارف سده هشتم و نهم هجری) در هیچ یک از منابع و تحقیقات نشانی از سلسله‌نسب شیخ رکن‌الدین دانیال وجود نداشت. در بخشی از این نسخه با عنوان «فی ذکر اسماء و اجداد شیخ رکن‌الدین دانیال (قدسه العزیز)» درباره سلسله‌نسب شیخ رکن‌الدین چنین آمده است:

شیخ رکن‌الدین دانیال بن حسن بن نورالدین بن محمد بن حسین بن احمد بن عبدالله بن احمد بن موسی بن جد بن عبدالحکم بن امیر موسی مکی بن علی بن عاصم بن عامر بن عبدالله بن عبیدالله بن هلال بن اهبب الله بن ضبه بن حارث بن فهر بن مالک بلغنی مع علم دار رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و شیخ رکن‌الدین دانیال در الخنج مدفون است و از بی‌بی فاطمه اکبر است، بنت سید زندویه الحسینی مادر امیر موسی مکی ست و شیخ رکن‌الدین دانیال اولاد امیر موسی مکی ست.^۱

در این سلسله‌نسب که در نوع خود جدیدترین سند درباره شیخ دانیال است، ارتباط نسبی او با شاه زندو بیرم، از بزرگان خطه جنوب فارس در اواخر قرن چهارم و پنجم، مشخص شده است.^۲

شیخ رکن‌الدین دانیال در روستایی در نزدیکی هنگ یا همان خنج در جنوب فارس به نام «گریش» متولد شد.^۳ درباره اینکه گریش منطبق با شهرستان گراش در جنوب استان فارس امروزی است یا نه نظریات مختلفی وجود دارد. محمدباقر وثوقی معتقد است «محتماً گراش کنونی باشد. احتمالاً گراش در قرن ششم و هفتم از آبادی و رونق برخوردار بوده است. ژان اوین و استاد ایرج افشار این روستا را گراش دانسته‌اند.»^۴ اما به عقیده محمدمامین خنجی «چون گراش نامی نداشته و دهی است در نزدیکی لار از دهات آن است و لازم نمی‌آید وصاف آن را در زمره اماکن مهمه و معروف بشمارد، مخصوصاً که با لار فرق چندانی ندارد تصور می‌رود جریس یا جریش محل دیگری در بلوک خنج بوده است و یا خیلی نزدیک خنج است.»^۵ در هر صورت، شیخ دانیال در جغرافیای گرمسیری فارس نشو و نما یافت. شغل پدرش زراعت و کشاورزی بود. او هفت برادر داشت و خود کوچک‌ترین فرزند بود. هر موقع برادران برای

۱. نسخه خطی سفینه روح‌الله، کتابخانه مرکزی دانشگاه تبریز، بی‌تا، برگ ۸؛ سفینه روح‌الله، مقدمه، ص ۴۱.

۲. برای اطلاع از خاندان شاه زندو بنگرید به: تذکره حضرت سید عقیق‌الدین شاه زندوی (ع)، روند گسترش اسلام‌پذیری در جنوب ایران، تنظیم، تصحیح و ترجمه حسین خادم، اصغر کریمی و سید حسن زندوی (تهران: انتشارات پیروز، ۱۳۹۱)، ص ۲۷.

۳. محمود بن عثمان، ص ۴۲۶-۴۲۷.

۴. وثوقی، خنج گذرگاه باستانی لارستان، ص ۴۶.

۵. خنجی، ص ۵.

زراعت به صحرا می‌رفتند، شیخ دانیال به عبادت مشغول بود. این مسئله باعث اعتراض برادران شد و وقتی این موضوع را با پدر مطرح کردند او گفت: «مصلحت آن است که شما زحمت دانیال ندهید و او را به کار دنیا مشغول ندارید که او را چنان می‌نماید که از برای کار آخرت آفریده‌اند.» پس دانیال از پدر و برادران خود جدا شد و به خنج مهاجرت کرد و در گوشه مسجد به عبادت مشغول گشت.^۱

رابطه معنوی شیخ دانیال و فرقه کازرونیه

طریقت کازرونیه در نیمه دوم قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم هجری قمری در کازرون تأسیس شد. بنیانگذار آن ابواسحاق ابراهیم بن شهریار کازرونی (۴۲۶-۳۵۲ق) بود. این طریقت کم‌کم پیروان بی‌شمار یافت و بدین ترتیب زمینه گسترش آن در فارس و مناطق جنوبی به وجود آمد. از کتاب *فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه* معلوم می‌شود این طریقت به مناطق گرمسیری فارس هم راه یافته بوده است و به نظر می‌رسد شیخ دانیال از طریق خانقاه مریدان شیخ ابواسحاق در گرمسیرات با اندیشه‌های این طریقت آشنا شده باشد. تمرکز خانقاه‌های منشعب از طریقت کازرونیه در حوالی کاریان بود که احتمالاً دلیل آن وجود خاستگاه زرتشتیان در آتشکده آذرفرینغ باشد.^۲ چون هدف اصلی شیخ ابواسحاق مبارزه با این گروه دینی بود، وجود خانقاه در اویش طریقت کازرونیه در این حوالی امری محتمل به شمار می‌آید.

از جمله کسانی که رباطی در گرمسیرات و در روستای بُلغان تأسیس کرد، «ابومسلم بُلغانی» بود.^۳ علاوه بر این، دو تن دیگر از یاران شیخ ابواسحاق، ابوالغنائیم جویمی و شیخ ابوالقاسم جویمی، در مناطق گرمسیری فارس، یعنی جویم، خانقاهی ساختند و خدمت درویشان کردند و در آنجا وفات یافتند.^۴ احتمالاً اولین نشانه‌های حضور طریقت کازرونیه در گرمسیرات فارس متعلق به همین موارد باشد که زمینه مهاجرت شیخ دانیال از خنج به کازرون گردید. در گزارش *فردوس المرشدیه*، با توجه به طریقه انتخاب و تأیید پیروان طریقت کازرونیه، آمده که شیخ دانیال پس از اینکه طبل و علمای برایش فرستاده شد، به سوی کازرون رفت و خرقة از دست خلفای شیخ ابواسحاق کازرونی گرفت و پس از چندی که زیارت بقعه شیخ ابواسحاق را به جا آورد با کسب اجازه از خطیب کازرون به زادگاه خود برگشت و مردم را به طریقت فراخواند.^۵ در این روایت آشکارا به آداب طریقت کازرونیه در اعطای مرشدی به پیروان خود اشاره شده است و این نشان می‌دهد طریقت دانیال در اندیشه و عمل وامدار بقعه کازرون بوده است. پس مسلماً هدف شیخ دانیال از ورود به خنج و گرمسیرات قبول ارشاد و دعوت زرتشتیان و مردم به

۱. محمود بن عثمان، ص ۴۲۶-۴۲۷.

۲. ابوالقاسم بن احمد جیهانی، *اشکال العالم*، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب (تهران: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸)، ص ۱۱۲؛ مقدسی، ص ۶۳۸.

۳. محمود بن عثمان، ص ۱۵.

۴. همان، ص ۳۹۸.

۵. همان، ص ۴۲۶-۴۲۷.

دین اسلام بوده است.

سلسله‌نسب فکری شیخ دانیال

در باب سلسله‌نسب فکری شیخ دانیال توالی سلسله منتهی به شیخ عبارت‌اند از: شیخ اعزالدین احمد دانیالی، قطب‌الدین عبدالله دانیالی، شیخ شمس‌الدین محمد ابودلف دانیالی، شیخ مجدالدین اسماعیل دانیالی، شیخ الامین عبدالسلام خنجی، شیخ احمد بازارویه، شیخ خضر، شیخ رکن‌الدین دانیال، شیخ جمال‌الدین احمد خطیب، خطیب غیاث‌الدین، تاج‌الدین عبدالمحسن بن عبدالکریم، ابوبکر، ابونصر محمود، ابوالقاسم عبدالکریم، شیخ ابواسحاق کازرونی، شیخ حسین اکار شیرازی، ابو عبدالله خفیف شیرازی، شیخ ابوحفص حداد نیشابوری، شیخ ابوعمرو اصطخری، شیخ ابوتراب نخشی، شقیق بلخی، امام موسی بن جعفر علیهما السلام.^۱

با توجه به این منبع، و متون تاریخی و عرفانی، سلسله‌نسب فکری ایشان به امام موسی بن جعفر (ع) می‌رسد.

مشرب فکری و عملکرد اجتماعی طریقت دانیالیه

در باب مشرب فکری شیخ دانیال تاکنون در هیچ مرجع مکتوبی چیزی گفته نشده و اگر هم تذکره‌ای منتسب به شیخ دانیال وجود داشته، به‌مرور زمان از بین رفته و نشانه‌ای از آن تاکنون به دست نیامده است. به همین دلیل تنها نشانه‌های مشرب فکری شیخ دانیال را باید در نحوه زیستن او و اندیشه‌های مرشدش، یعنی شیخ ابواسحاق کازرونی، جست و از طریق انطباق آن با زندگی شیخ دانیال پی به مشرب فکری او برد.

یکی از مبانی فکری شیخ دانیال، با توجه به تجربه زیسته او، «مهاجرت برای رسیدن به حقیقت» است. او در دوره نوجوانی روستای گریش را به مقصد هنگ ترک کرد و از آنجا به کازرون مهاجرت کرد و سپس دوباره به زادگاه خود بازگشت. این مسافرت‌ها ناشی از جهان‌بینی شیخ بوده است. چنانکه بسیاری از عرفا هم، از جمله ابن خفیف شیرازی که ابواسحاق وامدار اندیشه اوست، برای رسیدن به مرشد و حقیقت راه مهاجرت به شهرهای دیگر را در پیش گرفتند. ابن خفیف از طریق مهاجرت به بغداد با برخی از بزرگان تصوف مثل منصور حلاج، جنید و رویم و جمعی دیگر از شیوخ بغداد آشنا شد و به نوعی رابط مکتب صوفیه بغداد و فارس گشت.^۲

۱. میرزا زین‌العابدین شیروانی، ریاض‌السیاحه، تصحیح حامد ربانی (تهران: سعدی، بی‌تا)، ص ۳۳۶؛ محمدمعصوم علیشاه، طرائق‌الحقائق، ج ۳ (بی‌جا): کتابخانه سنایی، بی‌تا، ص ۱۷۳.

۲. فردوس المرشدیه، مقدمه، ص ۴۳.

ریاضت و تهذیب نفس نیز از ارکان فکری طریقت کازرونیه به شمار می‌رود که شیخ دانیال در طول اقامت خود در خانقاه با این روش آشنا شد و در زندگی خود آن را به کار برد. فریتز مایر، خاورشناس آلمانی، در مقدمه کتاب *فردوس المرشدیه* به این نوع سلوک شیخ ابواسحاق اشاره کرده است.^۱ شیمل نیز در مقدمه کتاب *سیرت شیخ کبیر ابوعبدالله ابن خفیف شیرازی* با اشاره به این ویژگی ابن خفیف شیرازی معتقد است که «در حیات ابن خفیف و یاران همفکر او، ریاضت سخت مرکز ثقلی تشکیل داده بود، ریاضت را از وی پرسیدند. گفت: ریاضت، شکستن نفس است به خدمت و منع کردن نفس است از فترت در خدمت.»^۲ با توجه به خط سیر فکری شیخ ابواسحاق و ابن خفیف شیرازی می‌توان نتیجه گرفت این نگاه از طریق خلفای شیخ ابواسحاق به شیخ دانیال منتقل شده است.

یکی دیگر از مواردی که در اندیشه طریقت کازرونیه وجود داشت و به طریقت دانیال رسید، اطعام مساکین بود، رسمی که در خانقاه کازرون رواج داشت و به خانقاه شیخ دانیال رسید.^۳ ابن خفیف شیرازی نیز توجهی ویژه به این امر داشته است.^۴ ابن بطوطه، در سال ۷۳۱ق، وقتی از هرموز به قصد دیدار یکی از صلحا، یعنی شیخ ابودلف جانشین شیخ دانیال، به خنج رفته، این امر را مشاهده کرده است:

چون وارد خانقاه شیخ شدیم او را دیدم که در یکی از گوشه‌ها روی خاک نشسته و جبه پشمین سبز مندرسی بر تن و عمامه پشمین سیاهی بر سر داشت. این شیخ ابودلف حالات عجیبی دارد. مخارج خانقاه او بسیار هنگفت است. چه عطایا و لباس و مرکب و همه قسم احسان دیگر به مسافرین می‌دهد و من در آن نواحی مانند او را نیافتم و معلوم نیست که این همه مخارج را از کجا درمی‌آورد، زیرا درآمد او منحصر است به آنچه که دوستان و برادران به او می‌دهند و به همین جهت غالب مردم معتقدند که شیخ را مدد از غیب می‌رسد.^۵

از این روی به نظر می‌رسد داشتن «سفره» و «اطعام مساکین» جزئی از اندیشه صوفیانه برای جذب پیروان و توسعه قلمرو معنوی طریقت دانیالیه بوده است.

مؤلف تاریخ گزیده در قرن هشتم قمری با اشاره به این ویژگی طریقت دانیالیه نوشته است: «شیخ دانیال خنجی مردی صاحب کرامت بود و از کس لقمه دریغ نداشتی و تا این غایت سفره او روان است.»^۶ او همچنین ضمن تفکیک طریقت‌های صوفیانه فارس، از چهار سفره «شیخ دانیال»، «ابوعبدالله خفیف»،

۱. همان، ص ۳۱.

۲. ابوالحسن دیلمی، *سیرت شیخ کبیر ابوعبدالله ابن خفیف شیرازی*، ترجمه رکن‌الدین یحیی بن جنید شیرازی، تصحیح ا. شیمل. ماری-طاری، به کوشش دکتر توفیق سبحانی (تهران: بابک، ۱۳۶۳)، ص ۳۲.

۳. فردوس المرشدیه، مقدمه، ص ۴۲.

۴. دیلمی، ص ۵۰.

۵. ابن بطوطه، *سفرنامه*، ترجمه محمدعلی موحد، ج ۱ (تهران: چاپ سپهر نقش، ۱۳۷۶)، ص ۳۳۸.

۶. مستوفی، *تاریخ گزیده*، ص ۶۷۵.

«شیخ ابواسحاق کازرونی» و «طاوس الحرمین» در ابرقوه به عنوان چهار رکن درویش جنوب نام برده است.^۱ این نشان می‌دهد در این دوره طریقت دانیالیه تا حدی از حیث اقتصادی و معنوی از طریقت کازرونیه جدا شده بوده و به شکل مستقل ادامه حیات می‌داده است. این طریقت کانون تبلیغاتی خود را در مناطق مختلف گرمسیرات فارس، از جمله لار و فیشور، گسترش داد.

رسم شیوخ دانیالیه برای تأمین مایحتاج به نحوی بود که هنگام عصر در خانقاه گرد می‌آمدند و دور شهر راه می‌افتادند، از هر خانه یک یا دو گرده نان می‌گرفتند و آن را به مسافرانی که وارد خانقاه می‌شدند می‌دادند. صاحب‌خانه‌ها معمولاً سهم درویش را هم منظور می‌کردند. در خانقاه لار درویش شب‌ها در خانقاه جمع می‌شدند و هر یک به قدر قوه پولی انفاق می‌کردند و شب را به نماز و قرآن به سر می‌آوردند و پس از نماز صبح به منازل خود برمی‌گشتند.^۲ این شکل از جذب منابع مالی و غذا باعث ایجاد شبکه‌ای اقتصادی-اجتماعی گردید که تا چندین قرن تداوم یافت.

بنا به اطلاعات مندرج در یک وقف‌نامه از بقعه شیخ دانیال متعلق به سال ۹۲۵ هجری قمری، در اطراف این بقعه عمارت‌هایی مثل آب‌انبار و مسجد و مدارس و اتاق‌هایی برای طلاب علوم دینی و محل طبخ اطعام فقرا و مساکین و مستمندان و درویش‌خانه و محل سماط برای صادرین و واردین وجود داشته است و طلاب در مدرسه مخصوصی به نام «دانیالیه» تعلیم می‌دیدند.^۳ لمبتن در تحلیل این نوع زندگی در خانقاه‌ها می‌گوید: «برخی از خانقاه‌ها بخشی از یک مرکز و کانون کوچک بودند که از یک مسجد، خانقاه و حمام تشکیل شده بود و مریدان شیخ که احتمالاً مؤسس همین کانون به شمار می‌رفتند و نیز مسافرین برای تطهیر بدن جا می‌آمدند و در خوراک نذری درویش سهیم می‌شدند.»^۴ این نوع سبک زندگی از قرن هشتم تا اوایل نیمه اول قرن دهم در بقعه دانیال رواج داشته و معمولاً بیشتر هزینه‌های آن از نذر و نذورات مردم و به‌علاوه املاک، مزارع و آب‌انبارها و چاه‌هایی که وقف این بقعه بوده تأمین می‌شده است.

توسعه شهری خنج به عنوان کانون طریقت دانیالیه

یکی از مهم‌ترین وجوه طریقت دانیالیه کمک به گسترش شهری خنج به عنوان یکی از کانون‌های فکری گرمسیرات فارس بود. این شهر در جانب جنوبی شیراز^۵ و در فاصله ۴۲ فرسخی آن قرار دارد.^۶

۱. همان.

۲. ابن بطوطه، ج ۱، ص ۳۳۸.

۳. یونس صادقی، «بازخوانی وقف‌نامه بقعه شیخ دانیال در خنج فارس»، وقف میراث جاویدان، س ۲۴، ش ۹۵-۹۶ (پاییز و زمستان ۱۳۹۵)، ص ۱۵۲-۱۶۸.

۴. آن لمبتن، *تناموم و تحول در تاریخ ایران*، ترجمه یعقوب آژند (تهران: نشرنی، ۱۳۷۲)، ص ۲۵۱.

۵. حاج میرزا حسینی فسایی، *فارسنامه ناصری*، تصحیح دکتر منصور رستگار فسایی، ج ۲ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸)، ص ۱۳۰۳.

۶. میرزا جعفرخان حقایق نگار خورموجی، *نزهت‌الاکهار: تاریخ و جغرافیای فارس*، تصحیح و تحقیق سیدعلی آل‌داود (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰)، ص ۹۰.

البته موقعیت خاص جغرافیایی خنج نیز در گسترش طریقت دانیالیه مؤثر بود، زیرا از طرفی در مسیر راه تجاری فال و سیراف واقع بود^۱ و سپس از دوره ایلخانان در مسیر شیراز به سمت هرموز و کیش قرار گرفت^۲.

خنج با نام قدیم «هنگ»^۳ و «خنج بال»^۴ کانون اصلی طریقت دانیالیه در جنوب فارس و گرمسیرات بود. از قرن هشتم هجری به بعد نام آن در منابع به صورت «خنج» آمده است.^۵ محمدباقر وثوقی اعتقاد دارد هنگ به معنای عمومی جایگاه گوشه‌نشینان و عباد و زهاد است. شاید بتوان گفت این درویش بودند که به رهبری شیخ دانیال با گوشه‌گیری و اعتکاف بنیان شهری جدید را برپا کردند و به همین دلیل به تدریج هنگ به خنج، یعنی «گوشه و زاویه»، مشهور گردید.^۶ ابن بطوطه که در سال ۷۳۱ هجری قمری به خنج رفته، آن را شهری آباد دانسته است.^۷ شکل‌گیری و رونق خانقاه شیخ دانیال به مرور باعث توسعه شهری خنج گردید، تا جایی که شاهان ملوک هرموز برای خانقاه شیخ دانیال گنبد و بارگاهی باشکوه ساختند.^۸ این امر به گسترش رفت‌وآمد درویش و مریدان طریقت دانیالیه و در نتیجه توسعه شهری خنج کمک کرد. بر اثر کاوش‌های باستان‌شناسی سال‌های اخیر شکل اصلی این خانقاه معلوم شده است. در کنار خانقاه، مدرسه و مسجد و مناره‌ای باشکوه قرار داشته است. همین گستردگی مجموعه بقعه دانیال در روند ورود و خروج درویشان و در نتیجه آبادانی شهر تأثیر گذار بوده است. در تذکره منظوم شیخ محمد ابونجم، در ذکر اختلافات دو طریقت دانیال و ابونجم، به نقل از شیخی از طریقت دانیالی آمده که این شهر به دلیل آبادانی به ابردانیالیه معروف شده بوده است: از آن روز که این شهر معمور شد/ ابردانیالیه مشهور شد^۹

بنا به نوشته مؤلف تاریخ جهانگیری به خنج در زمان شیخ دانیال از کثرت جمعیت مریدان و شاگردان و مشایخ شریعت و طریقت متعدد و علوم دینی و عربی رونق بسیار داشت و از مهم‌ترین و معمورترین

۱. صور الاقالیم (هفت کشور)، تصحیح دکتر منوچهر ستوده (تهران: بنیاد فرهنگ ایرانی، ۱۳۵۳)، ص ۶۳۸؛ شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه، ج ۱ (تهران: ناشر چاپی مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ناشر دیجیتالی: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه، بی‌تا)، ص ۷۵۳؛ گای لسترنج، جغرافیای سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲)، ص ۳۱۸؛ محمدتقی مصطفوی، اقلیم پارس (تهران: نشر اشاره، ۱۳۷۵)، ص ۳۶۱.
۲. محمد بن علی بن محمد شبانکاره‌ای، مجمع الانساب، تصحیح میرهاشم محدث (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳)، ص ۲۱۷؛ ابن بطوطه، ج ۱، ص ۳۳۸؛ پاول شواتس، جغرافیای تاریخی فارس، ترجمه کیکاووس جهانگیری (تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۲)، ص ۱۰۴.
۳. محمود بن عثمان، ص ۴۲۶-۴۲۷.
۴. ابن بطوطه، ج ۱، ص ۳۳۸.
۵. حمدالله مستوفی، نزهة القلوب، تصحیح و تحشیه گای لسترنج (تهران: اساطیر، ۱۳۸۹)، ص ۱۸۶؛ حسینی فسایی، ج ۲، ص ۱۳۰۳.
۶. وثوقی، خنج گذرگاه باستانی لارستان، ص ۱۲.
۷. ابن بطوطه، ج ۱، ص ۳۳۸.
۸. Pedro Teixeira, *kings of Hormuz*, translated by. W.F. Sinclair (London: 1958), pp. 159-163.
۹. نسخه خطی تذکره منظوم شیخ محمد ابونجم، نیمه دوم قرن دهم هجری، تحت تملک شیخ جعفر ابونجمی از معتمدین محلی خنج، ص ۴۲۵-۴۲۶.

قصبات جنوب فارس و بازار تجارت بود. این روایات نشان می‌دهد مکتب دانیالی در توسعه شهری خنج از قرن هفتم به بعد تأثیر داشت، تا جایی که این شهر تا قرن دهم هجری به مرکزی برای جریان‌های فکری دانیالیه، شمسیه و قطبیه تبدیل شد و بزرگان دیگر طریقت‌ها، از جمله طریقت قتالی، هم به این شهر رفت‌وآمد داشتند.^۲ به گفته نویسنده فارسنامه ناصری خنج «در قدیم ۶۰۰۰ خانه داشت و لوازم شهری از مساجد و بازار و کاروانسرا و مدرسه و حمام و عمارت خیریه در او فراوان بوده که آثار آنها پیداست.»^۳ همه این موارد نشان می‌دهد توسعه خانقاه شیخ دانیال در قرن هفتم و گسترش تفکرات صوفیانه دیگر طریقت‌ها در قرون بعد موجب شد خنج شکل شهری منظم به خود بگیرد و تا چندین قرن به‌عنوان کانون فکری گرمسیرات فارس در مبادلات فکری علما و وضع اقتصادی تجارت نقش مهمی ایفا کند، تا اینکه در قرن دهم هجری قمری بر اثر اختلافات شدید فکری جریان‌های صوفیگرا و در نتیجه مهاجرت بخشی از مردم، خنج نیز افول کرد.

تأثیر طریقت دانیالیه بر تحولات سیاسی-اجتماعی ملوک کیش و هرموز

یکی از شاخصه‌های طریقت دانیالیه، تأثیرگذاری بر روند تحولات سیاسی-اجتماعی حاکمان مناطق پس کرانه‌ای خلیج فارس به‌خصوص ملوک کیش و هرموز بود. با رونق گرفتن جزیره قیس (کیش) از قرن پنجم به بعد، تحولات مهمی در خلیج فارس به وقوع پیوست.^۴ براساس تذکره تحفه الراغبین، وقتی سید فخرالدین کامل، پسر شاه سیف‌الله قتال، با جمعی به جزیره قیس و ملکان رفت، {حاکمان} آن عهد ملک عزالدین احمد و ملک محمد نام بود که به خاندان شیخ دانیال خنجی حسن اعتقاد داشتند.^۵ این رویداد طی سلطنت ملک عزالدین عبدالعزیز {حاکم فارس}، فرزند جمال‌الدین طیبی، که از سال ۷۰۶ هجری جای پدر نشسته بود، اتفاق افتاد.^۶ در سال ۶۲۸ هجری قمری اتابک ابوبکر سلغری با ورود به جنوب فارس و گرمسیرات و خلیج فارس، جزایر و سواحل جزیره کیش (در عهد ملک تورانشاه بن عمادالدوله) و بحرین و عمان و قطیف و لحسا را تصرف کرد^۷ و به حاکمیت ملوک کیش پایان داد. این اتفاق شرایط ویژه‌ای برای ملوک هرموز فراهم

۱. محمداعظم بنی عباسیان بستکی، تاریخ جهانگیریه و بنی عباسیان بستکی، به کوشش عباس انجم‌روز (بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۳۹)، ص ۱۴.

۲. نسخه خطی تحفه القلوب، برگ ۱۴۶.

۳. حسینی فسایی، ج ۲، ص ۱۳۰۳.

۴. مجتبی خلیفه، «برآمدن ملوک بنی قیصر کیش به روایت اسناد گنیزه و منابع دسته اول»، پژوهش‌های علوم تاریخی، ش ۳ (بهار و تابستان ۱۳۹۰)، ص ۷۲-۷۵.

۵. سید علی بن سید حمدی، نسخه خطی تذکره الاولیاء المسمی بتحفه الراغبین فی ذکر حالات شاه سیف‌الله القتال قدس الله سره الغزیز، کاتب عبدالرحیم

بن مصطفی بن محمد زمان العباسی، ۱۴۰۳ق، ص ۱۱۸

۶. وثوقی، خنج گذرگاه باستانی لارستان، ص ۵۱.

۷. رشیدالدین فضل الله همدانی، جامع التواریخ (تاریخ سلغریان فارس)، مصحح محمد روشن (تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۹)، ص ۱۴.

نمود و آنها توانستند با کمک سلغریان و اتحاد با قراختاییان کرمان در منطقه قدرتمند شوند.^۱ در قرن هشتم با افول «طیبی‌ها»^۲ در کیش، حاکمیت ملوک هرموز بر آن جزیره، و مناطق پس کرانه‌ای آن، تا دو قرن در اختیار ملوک هرموز قرار گرفت. نقش دراویش دانیالی در این جابه‌جایی تأثیرگذار بود. طریقت دانیالیه با گسترش خانقاه‌های خود در نواحی گرمسیرات فارس و بنادر و با اعزام شیوخ دانیالی به ملوک هرموز در تحولات خلیج فارس نقش مهمی ایفا نمود و مورد احترام حاکمان هرموز قرار گرفت. ملوک هرموز تا اوایل قرن هشتم مقر حکومتشان در ساحل خلیج فارس، و در شهری با نام «هرموز» نزدیک «میناب» کنونی بود. در سال ۶۹۹ق به دنبال تاخت‌وتاز مغولان (غازان خان مغول) در نواحی جنوب، حاکم هرموز به نام بهاء‌الدین ایاز سیفین (۶۹۲-۷۱۱ق) تصمیم گرفت مرکز حکومت خود را به جزیره‌ای به نام «جرون» انتقال دهد.^۳ براساس شواهد تاریخی موجود، این جزیره تحت تملک سلطان کیش بود. پس یکی از پیروان فرقه دانیال به نام شیخ اسماعیل این جزیره را از حاکم کیش خرید و به بهاء‌الدین ایاز واگذار کرد.^۴ اوین در این خصوص می‌نویسد:

در حدود سال ۱۳۰۰م/۷۱۰ق دراویش خنج با گرفتن جزیره جرون از طیبی‌ها و واگذاری آن به هرمزی‌ها خدمت بزرگی به حاکم هرمز نمودند. باروس معتقد است نام شیخ خنج که واسطه این کار شد «دونیار» بود، اما تکشیرا که از تاریخ هرموز با اطلاع‌تر است، وی را شیخ اسماعیل نامیده است.^۵ در شاهنامه هرموز که تکشیرا، کشیش پرتغالی، در اواخر قرن دهم در هرموز نگاشته، این روایت آمده است:

در آن عصر کسی که حاکم جزیره کیش بود، صاحب جزیره جرون نیز بود. هنگام ورود ایاز به این جزیره، یکی از علمای دینی موسوم به شیخ اسماعیل، از اهالی قریه‌ای در نزدیک لار، از جانب حاکم در این جزیره اقامت داشت. شیخ معمولاً هر سال در زمانی معین به گردش در همه جزیره می‌پرداخت تا برای خود و نیازمندان صدقه جمع‌آوری کند. ایاز وقتی با او صحبت کرد و او را مردی با کفایت یافت، اندیشید او را واسطه به‌دست‌آوردن آن جزیره گرداند... شیخ اسماعیل در نهایت کفایت این کار را انجام داد و پادشاه کیش جزیره جرون را به‌عنوان هدیه به بهاء‌الدین ایاز بخشید، ولی ایاز نپذیرفت و مبلغی وجه نقد

۱. تاریخ شاهای قراختاییان، تصحیح محمدابراهیم باستانی یازری (تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۲۵۳۵)، ص ۲۱۴-۲۲۵.

۲. برای اطلاعات بیشتر از خاندان «طیبی» بنگرید به: این زرکوب شیرازی، شیرازنامه، به کوشش محمدجواد جدی، احسان‌الله شکراللهی (تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۹)، ص ۱۶۵؛ عبدالرسول خیراندیش، فارسیان در برابر مغولان (تهران: انتشارات آباد بوم، ۱۳۹۴)، ص ۱۳۳.

۳. عبدالمحمد آیتی، تحریر تاریخ و صاف (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳)، ص ۱۶۹؛ ناصرالدین منشی کرمانی، سبط‌العلی للحضرة العلیا، مصحح عباس اقبال آشتیانی، زیر نظر محمد قزوینی (تهران: اساطیر، ۱۳۶۲)، ص ۱۲۹؛ شبانکاره‌ای، ج ۲، ص ۲۱۷؛ معین‌الدین نظنزی، منتخب‌التواریخ (تهران: اساطیر، اصفهان: دیجیتال مرکزی تحقیقات رایانه‌ای قائمیه، بی‌تا)، ص ۴۳.

۴. وثوقی، خنج گنرگاه باستانی لارستان، ص ۵۱.

در مقابل آن پرداخت کرد. به پاس این خدمت شیخ اسماعیل، پادشاهان هرمز را عادت بر این جاری شد که هر سال مبلغی معین به اعقاب شیخ می‌پرداختند. و من خود بارها به رأی العین این را دیده‌ام.^۱ در روایتی دیگر اسماعیل بن احمد دانیالی به خاطر حمایت از بهرام شاه محکوم به اعدام شد، اما چون مردم شهر به شدت از او حمایت کردند، نهایتاً در سال ۷۱۸ هجری قمری به عدن تبعید گشت.^۲ همکاری شیوخ دانیالی در انتقال جزیره به ملوک هرموز باعث گردید حاکمان آن مقررری مالی به نفع خانقاه دانیال اختصاص دهند. شاه هرموز قطب‌الدین تهمتن (۷۱۸-۷۴۷ق) زیارتگاهی بر قبر شیخ دانیال بنا نمود. ابن بطوطه در سفرش به خنج، به سال ۷۳۱ق، گنبد و بارگاه بزرگی را که پادشاه هرموز ساخته بود دیده است: «قبر شیخ دانیال قطب در این زاویه قرار دارد. روی قبر او به فرمان سلطان قطب‌الدین تهمتن گنبدی بنا شده است.»^۳

طبق کتیبه سنگی مناره شیخ دانیال، «توران شاه بن تهمتن بن محمدشاه بن قطب‌الدین تهمتن» نظر به ارادتی که به شیخ و پیروانش داشت، در سال ۸۴۹ق مناره بلند و زیبایی بر بنای آرامگاه شیخ دانیال افزود^۴ که تا مدت زیادی محل درس و بحث و ارشاد بود. ایرج افشار تاریخ کتیبه اطراف بقعه دانیال را سال ۷۱۱ هجری دانسته،^۵ اما تاریخ مزبور مقارن با حکومت شهاب‌الدین ایاز بر هرموز بوده است که هنوز آرامگاه شیخ دانیال ساخته نشده بود. پس تاریخ صحیح ساخت بنا نیمه اول قرن هشتم است.^۶ مجموعه بقعه شیخ دانیال در حدود ۹۶۰ متر مساحت دارد و از مجموعه مسجد، زاویه شیخ و بقعه شیخ تشکیل شده است. مناره شیخ دانیال به صورت میل استوانه‌ای است که بر روی یک فیلی پایه هشت ضلعی قرار دارد.^۷ درون مقبره شیخ دانیال یک قطعه سنگ مرمر وجود دارد که این کلمات بر روی آن نقش بسته است: «الی الله الارضین سید مجدالدین (پسر دانیال) ابن رکن الملل و الدین دانیال قدس الله سره. سنگ مزبور قسمتی از سنگ قبر سید مجدالدین پسر دانیال است و ترجمه آن چنین است: به سوی خدایی که در دو دنیا سید مجدالدین فرزند رکن ملل و ستون ملت‌ها و دین‌ها، دانیال پاک بگرداند خداوند او را.»^۸ در بخشی از کتیبه دور مناره هم آمده است: «الذی بناء المناره اولاً خلاصه سلاله... المیله المبارک ثانیاً... الحاج... العز... السلطنه تورانشاه بن تهمتن بن محمدشاه بن تهمتن بن کردانشاه خلدالله

1. Teixeira, pp. 162-163;

محمد قزوینی، یادداشت‌ها، به کوشش ایرج افشار، ج ۹ (تهران: دانشگاه تهران، بی‌تا)، ص ۵۷.

۲. وثوقی، علل و عوامل جابه‌جایی کانون‌های تجاری در خلیج فارس، ص ۱۷۸.

۳. ابن بطوطه، ج ۱، ص ۳۳۸.

۴. مخلصی، ص ۲۲۶.

۵. ایرج افشار، گلگشت در وطن، گردآوری: بابک، بهرام، کوشیار، آرش (تهران: نشر اختران، ۱۳۹۶)، ص ۴۲۱.

۶. مخلصی، ص ۲۲۴-۲۳۰.

۷. همان؛ محمدصادق میرزا ابوالقاسمی، کتیبه‌های یادمانی فارس (تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۷)، ص ۱۵۳.

۸. الله‌قلی اسلامی، «خنج»، هنر و مردم، ش ۱۲۸ (۱۳۵۲)، ص ۷۷-۸۴.

ملکه و سلطانه و استعان من ثوابه لیبدل مابقی مصلحین فتلقى.../ القاهرة ...^۱ این بخش از کتیبه به احداث آن توسط تورانشاه اشاره دارد.



در بحث ارتباط بین پیروان دانیال با ملوک هرموز می‌توان از «شیخ عقیف‌الدین اسرائیل بن شیخ حاجی عبدالسلام خنجی» قاضی القضاة دربار توران شاه بن قطب‌الدین تهمتن، سلطان معروف و دانشمند هرموز (۷۴۷-۷۷۹ق)، یاد کرد که در هرموز و بنادر معمور آنجا مساجد و مدارس علوم دینی و عربی تأسیس کرد و شخصاً هم تدریس می‌کرد. سپس به‌عنوان سفیر امیر هرموز به شیراز نزد یکی از شاهان آل مظفر (۷۱۳-۷۹۵ق) آمد و در همان جا به سال ۷۷۰ و اندی وفات یافت.^۲ این شیخ پسر شیخ عبدالسلام خنجی (۶۶۱-۷۴۶ق) از مشایخ طریقت نقشبندیه و قادری در نیمه اول قرن هشتم هجری و بنا به گفته نویسنده تاریخ جهانگیریه از زمره شاگردان شیخ دانیال بوده است.^۳ همچنین بدرالدین شیخ اسماعیل، پسر شیخ عقیف‌الدین، هم مدتی به وزارت شاهان هرموز و قاضی القضاة دست یافته بود.^۴ به علاوه قطب‌الدین عبدالله دانیالی، معروف به فخرالعلماء البر و البحر، نیز از دیگر پیروان شیخ دانیال در دربار ملوک هرموز بوده است. از مجموع این روایات مشخص می‌گردد که نفوذ این طریقت در دربار ملوک هرموز باعث حمایت اقتصادی و فرهنگی از دانیالی‌ها و در نتیجه تداوم حیات اجتماعی این طریقت گردید.

۱. مخلصی، ص ۲۳۴

۲. جنید بن محمود جنید شیرازی، شد الازار فی حط الازار عن زوار المزار، مصحح: محمد قزوینی، عباس اقبال آشتیانی (طهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۲۸)،

ص ۲۳۹.

۳. بنی عباسیان بستکی، ص ۱۴.

۴. همان، ص ۲۱.

رابطه فکری-فرهنگی طریقت دانیالیه با قتالی و شمسویه

طریقت دانیالیه به عنوان طریقتی برآمده از مکانیسم اجتماعی-فکری کارزونی به دیگر طریقت‌های مهم گرمسیرات فارس ارتباط فکری و فرهنگی نزدیکی داشت. همین امر به توسعه شبکه‌ای فکری طریقتی در نواحی پس کرانه‌ای خلیج فارس انجامید. از طریق نسخه خطی تحفه القلوب ارتباط طریقت دانیالیه با طریقت قتالی مشخص می‌گردد. شاه سیف‌الله قتال (۵۷۸-۶۷۴) پس از اینکه از بغداد به خلیج فارس می‌رود، با شیخ دانیال هم‌صحبت می‌شود:

باز فرمود آن شه عالم‌پناه	آنکه شخصی هست در این جایگاه
اهل حق است اسم او بس زیب و زین	شیخ رکن‌الدین دانیال حسین
قابل هم‌صحبت ما هست او	در طریقت مرد آگاهیست او ^۱

در بخش دیگری از این نسخه خطی، از ورود فرزند شاه سیف‌الله قتال، یعنی سید کامل پیر، به خنج و بیعت بستن او با شیخ دانیال سخن گفته شده است:

پس به فرمان پدر آن شاه زاد	آمدند اندر قریه خنج از رشاد
اندر آنجا بود شخصی از کمال	شیخ رکن‌الدین اسمش دانیال
در کبر سنی بد آن صاحب ادب	نزد سید کامل آمد از طرب
شد مشرف در حضور کاملی	تازه کردش بیعتی با آن ولی
حضرت کامل طریق وجدحال	داد بر شیخ عزیز با کمال
جامه ازرق عطا فرمود	سرفرازی داد شیخ با تمیز
بر سبیل تحفه شیخ پاکزاد	جانمازی پیش آن حضرت نهاد
الغرض داخل شده بر این طریق	دانیال از پرتو نور حقیق ^۲

اینکه آوازه شیخ دانیال از جمله عوامل مهاجرت قتالی‌ها به نواحی جنوب ایران شد، نشان‌دهنده جایگاه فکری و رونق طریقت دانیالی در قرن هفتم است. به این واسطه نویسنده تحفه القلوب، سید ابراهیم سید خلیل، اصطلاح «خنج دانیال» را استفاده کرده است.^۳ او همچنین از رکن‌الدین دانیال خنجی، در کنار چهار^۴ رهبر طریقت دیگر، به عنوان «قطب کرمان» یاد کرده است. سدیدالسلطنه کبابی، نویسنده

۱. نسخه خطی تحفه القلوب، ص ۷۰.

۲. همان، ص ۱۴۶.

۳. همان، ص ۱۵۰.

۴. شیخ اکبر دورقی قطب خراسان، شیخ عمادالدین زنگی قطب نیشابور تا حد فارس، شیخ منصور غزوی قطب دشتستان، شیخ ابواسحاق کارزونی قطب فارس (همان، ص ۸۸).

دوره قاجار، نیز از ارتباط مردم خنج با بارگاه سید قتال قبل از هجوم نادرشاه افشار به مناطق گرمسیری فارس سخن گفته است.^۱

همزمان پیروان طریقت دانیالیه در خنج با طریقت شمسویه به رهبری شیخ محمد ابونجم (۷۰۴-۷۸۶) ارتباط داشتند. در نسخه خطی تذکره شیخ محمد ابونجم به مواردی از این ارتباط اشاره شده است، از جمله اینکه شیخ محمد ابونجم شیخ رکن الدین دانیال را «نیکو فعال پسندیده خصال» توصیف کرده است.^۲ با وجود چنین توصیفاتی از شخصیت شیخ دانیال در تذکره شیخ محمد ابونجم، گزارش‌هایی مبنی بر اختلاف فکری بین دو طریقت در خنج وجود دارد. گویا به سبب همین اختلافات جمعی از پیروان شیخ دانیال به هرموز مهاجرت می‌کنند و طریقت ابونجم جایگزین دانیالیه در خنج می‌شود. در اوایل قرن هشتم شاخه «دانیالی» مشایخ خنج رو به افول نهاد و جانشینان دانیال به دربار «ملوک هرموز» مهاجرت کردند.^۳ پیروان طریقت شیخ دانیال در ادامه سنت طریقت کازرونیه که تا اقیانوس هند گسترش یافته بود، وارد هند شدند.^۴ براساس گلزار ابرار، که متنی است در شرح احوال عرفا و مشایخ هند در قرن یازدهم هجری قمری، شیخ نورالدین ملک یار پیران لاری (۵۹۵-۶۸۰عق)، مرید شیخ دانیال خنجی، در زمان سلطان غیاث‌الدین بلبن الغیبیگ (۶۴۴عق) به «دارالسلام دهلی» می‌رود و بسیار مورد احترام مردم واقع می‌شود و مقبره او در هندوستان است.^۵ ژان اوبن در همین باب نوشته است: «شیخ رکن‌الدین دانیال، در عهد امرای بالبان هند، یکی از شاگردانش را به دهلی فرستاد.»^۶ محمدباقر وثوقی معتقد است که این رویداد باید بین سال‌های ۶۴۲ تا ۶۶۳عق اتفاق افتاده باشد.^۷ این موضوع نشان می‌دهد طریقت دانیالی، به‌عنوان شاخه‌ای از فرقه کازرونیه، روابط فکری-فرهنگی با دیگر طریقت‌ها برقرار کرده است و نظام فکری طریقتی آن نه‌تنها در مناطق پس‌کرانه‌ای خلیج فارس که در هند نیز رواج می‌یابد.

در سال ۹۳۸ هجری شخصیت دیگری به نام «شیخ محمد کبیر» که خود را از اخلاف شیخ دانیال می‌دانست، از بستک به خنج مهاجرت کرد و در آنجا مشغول تدریس شد. در دوره سلطنت شاه‌طهماسب

۱. محمدعلی‌خان سدیدالسلطنه کبابی، سرزمین شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان، مصحح احمد اقتداری (تهران: شرکت انتشارات جهان معاصر، ۱۳۷۱)، ص ۲۳۳.

۲. نسخه خطی تذکره نثر شیخ محمد ابونجم، کاتب جعفر خلف تاج‌الدین بن جعفر ابونجمی، ۱۲۸۷ق، تحت تملک شیخ جعفر ابونجمی از معتمدین محلی خنج، ص ۱۰۷.

3. J. Calmard. Encyclopeda of Islam, New edition, vol. 5, pp. 665-675.

4. Ralph Kauz, Aspects of the Maritime Silk Road: From the Persian Gulf to the East china Sea (Wiesbaden: Harrassowitz Verlag, 2010), pp. 67-69.

۵. محمد بن حسن بن موسی غوثی شطاری ماندوی، گلزار ابرار فی سیر الاخبار، مقدمه و تصحیح یوسف‌بیگ باباپور (تهران: انتشارات مرکز پژوهش کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱)، ص ۹۲.

6. Aubin, p. 21-37.

۷. وثوقی، خنج گذرگاه باستانی لارستان، ص ۴۷؛ بنگرید به: لعل بیگ بدخشی، ثمرات القدس من شجرات الانس، مصحح: کمال حاج سیدجوادی (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۶)، ص ۱۰۲۲.

اول (سال ۹۳۸ق) شیخ محمد با اتباع و بستگان خود مجدداً از خنج مهاجرت کرد و مقیم بستک شد و در آنجا به ارشاد مردم پرداخت. اللهوردی خان، والی فارس، و شاه ابراهیم خان، حاکم لار، به او ارادت کامل داشتند و احترام او را حفظ می کردند.^۱ این گزاره حاکی از نقش دانیالی ها در اشاعه گفتمان دینی و معنوی در قرن دهم هجری قمری است.

پراکندگی جغرافیایی طریقت دانیالیه در فارس

در باب پراکندگی جغرافیایی طریقت دانیالیه باید گفت که خنج کانون اصلی این طریقت بود. به علاوه، لار یکی از کانون های مهم طریقت دانیالیه در قرون هفتم و هشتم بود که خانقاه پسر شیخ ابودلف، به نام ابوزید عبدالرحمن، در آنجا قرار داشت. فیشور در نزدیکی خنج نیز یکی دیگر از کانون های مهم خانقاه طریقت دانیالیه به شمار می رفت که محل خانقاه شیخ ابودلف جانشین شیخ دانیال بود و مقبره او در همان مکان قرار دارد. همچنین به دلیل مهاجرت جمعی از پیروان دانیال به ملوک هرموز، این مناطق نیز جزء کانون جغرافیایی طریقت دانیالیه به حساب می آمد. به علاوه، براساس وقف نامه متعلق به اوایل دوره صفوی (۹۲۵ق)، تعداد زیادی از اراضی مناطق گرمسیری فارس مثل افزر، کارزین، بوشکان، ارد، گله دار وقف بقعه شیخ دانیال بوده اند.^۲ این موارد دایره نفوذ و گسترده گی جغرافیایی طریقت دانیالیه را نشان می دهد که در فاصله قرن هفتم تا دهم هجری از نزدیکی کازرون و شیراز تا جزیره هرموز بسط یافت.



۱. بنی عباسیان بستکی، ص ۲۵.

۲. صادقی، ص ۱۵۲-۱۶۸.

نتیجه‌گیری

شیخ رکن‌الدین دانیال در قرن هفتم هجری قمری یکی از مهم‌ترین طریقت‌های فکری جنوب ایران را در مناطق گرمسیری فارس با وام‌گیری از اندیشه‌های شیخ ابواسحاق کازرونی پایه‌ریزی نمود. خنج به‌عنوان کانون اصلی طریقت دانیالیه در مسیر ایستگاه تجاری جنوب، از شیراز به سمت لار و هرموز و کیش، قرار داشت. این موقعیت جغرافیایی این امکان را به طریقت دانیالیه داد تا بر حوزه وسیعی از جنوب ایران تأثیرگذار باشد. چنانکه در پژوهش نشان داده شد، ایجاد خانقاه و مسجد در مناطق جنوبی فارس، به‌خصوص خنج، رفت‌وآمد دروایش و اطعام آنها به گسترش شهرنشینی در خنج کمک کرد، تا جایی که این شهر تا قرن دهم هجری قمری به محلی برای جریان‌های فکری مختلف تبدیل گردید. این طریقت توانست به دربار شاهان ملوک هرموز راه یابد، تا جایی که شاهان این منطقه به نشانه احترام برای خانقاه شیخ دانیال گنبد و بارگاهی باشکوه ساختند که ابن بطوطه آن را به‌خوبی توصیف کرده است و تا زمان حاضر از معدود بناهای بازمانده ملوک هرموز به شمار می‌آید. طریقت دانیالیه از طریق نفوذ در دربار ملوک هرموز توانست در جابه‌جایی جزیره جرون به نفع حاکمان هرموز نقش مؤثری ایفا کند. همچنین افرادی از این طریقت تا درجه قاضی‌القضاتی دربار توران شاه بن قطب‌الدین تهمتن پیش رفتند که نشان از عزت و احترام این طریقت در دربار هرموز دارد. دانیالی‌ها از طریق ارتباط با دیگر جریان‌های عرفانی منطقه گرمسیرات، مانند طریقت قتالی و شمسیه، شبکه فکری خود را در نواحی پس‌کرانه‌ای خلیج فارس توسعه دادند. گستره جغرافیایی این طریقت از شمال تا قیر و کارزین و کازرون و از جنوب تا عسلویه و از شرق تا بنادر خلیج فارس را شامل می‌شد. وقف‌نامه متعلق به دوره صفوی که حاکی از وقف اراضی زیادی به بقعه شیخ دانیال است، نشان می‌دهد این طریقت تا نیمه‌های قرن دهم از نفوذ مادی و معنوی برخوردار بوده است.

کتابنامه

- آینی، عبدالمحمد. *تحریر تاریخ و صاف*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.
- ابن بطوطه. *سفرنامه*، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: چاپ سپهر نقش، ۱۳۷۶.
- ابن بلخی. *فارس نامه*، براساس متن مصحح لسترنج و نیکلسون، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۷۴.
- ابن حوقل، محمد. *صورة الارض*، بیروت: دار صادر، ۱۹۳۸ م.
- ابن زرکوب شیرازی. *شیراز نامه*، به کوشش محمدجواد جدی، احسان‌الله شکراللهی، تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۹.
- اسلامی، الله‌قلی. «خنج»، هنر و مردم، ش ۱۲۸، ۱۳۵۲، ص ۷۷-۸۴.
- اصطخری، المسالک و الممالک، تحقیق ابوزید احمد بن سهل، بیروت-لبنان: دار صادر، بی‌تا.

افشار، ایرج. گلگشت در وطن، گردآوری بابک بهرام، کوشیار، آرش، تهران: نشر اختران، ۱۳۹۶.
اقتداری، احمد. لارستان کهن، تهران: چاپخانه رنگین، ۱۳۷۱.
بنی عباسیان بستکی، محمد اعظم. تاریخ جهانگیریه و بنی عباسیان بستکی، به کوشش عباس انجم‌روز، بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۳۹.

تاریخ شاهی قراختائیان. تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۲۵۳۵.
تذکره حضرت سید عقیق‌الدین شاه زندوی (ع)، روند گسترش اسلام‌پذیری در جنوب ایران. تنظیم، تصحیح و ترجمه حسین خادم، اصغر کریمی و سید حسن زندوی، تهران: انتشارات پیروز، ۱۳۹۱.
جنید شیرازی، جنید بن محمود. *شذالازار فی حط الاوزار عن زوار المزار*، مصحح: محمد قزوینی، عباس اقبال آشتیانی، طهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۲۸.
جیهانی، ابوالقاسم بن احمد. *اشکال العالم*، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.

حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله خوافی. *جغرافیای حافظ ابرو*، ج ۲، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۸.
حسینی فسایی، حاج میرزا. *فارسنامه ناصری*، تصحیح دکتر منصور رستگار فسایی، ج ۲، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸.
خلیفه، مجتبی. «برآمدن ملوک بنی قیصر کیش به روایت اسناد گنیزه و منابع دسته اول»، *پژوهش‌های علوم تاریخی*، ش ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ص ۵۷-۷۲.

خنجی، محمدامین. *مشاهیر نامی خنج*، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۸۶.
خورموجی، میرزا جعفرخان حقایق نگار. *نزهت الاخبار: تاریخ و جغرافیای فارس*، تصحیح و تحقیق سید علی آل داود، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰.

خیراندیش، عبدالرسول. *فارسیان در برابر مغولان*، تهران: انتشارات آباد بوم، ۱۳۹۴.
دانیالی، شهاب بن علاء بن علی. *نسخه خطی رساله الفقریه*، ۹۴۱ق، موزه ملک، شماره بازیابی ۴۲۱۴.
دیلمی، ابوالحسن. *سیرت شیخ کبیر ابو عبدالله ابن خفیف شیرازی*، ترجمه رکن‌الدین یحیی بن جنید شیرازی، تصحیح ا. شیمیل-طاری، به کوشش دکتر توفیق سبحانی، تهران: بابک، ۱۳۶۳.

رحیمی جابری، اعظم. «میراث اجتماعی و فرهنگی طریقت مرشدیه در شهر خنج و نواحی جنوبی آن (سده‌های هفتم و هشتم)»، *فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ دانشگاه آزاد*، س ۱۴، ش ۵۴، پاییز ۱۳۹۸، ص ۱۲۷-۱۴۸.
سدیدالسلطنه کبابی، محمدعلی خان. *سرزمین شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان*، مصحح احمد اقتداری، تهران: شرکت انتشارات جهان معاصر، ۱۳۷۱.

سفیینه روح‌الله: مجموعه‌ای از اشعار شاه زین‌العباد بیرمی. پژوهش، پیشگفتار و مقدمه: دکتر محمدباقر وثوقی و محمدحسین سلیمانی، با همکاری سیدحسن زندوی، تهران: نگارستان اندیشه، ۱۳۹۶.

سید ابراهیم سید خلیل. *نسخه خطی تحفه القلوب*، تحت تملک سید عبدالباعث قتالی از معتمدین محلی بندر خمیر.
سید علی بن سید حمدی. *نسخه خطی تذکره الاولیاء المسمی بفتح الراغبین فی ذکر حالات شاه سیف‌الله القتال قدس الله سره العزیز*، کاتب عبدالرحیم بن مصطفی بن محمد زمان العباسی، ۱۴۰۳ق.

- شبانکارهای، محمد بن علی بن محمد. مجمع الانساب، تصحیح میر هاشم محدث، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- شطاری ماندوی، محمد بن حسن بن موسی غوثی. گلزار ابرار فی سیر الاخبار، مقدمه و تصحیح یوسف بیگ باباپور، تهران: انتشارات مرکز پژوهش کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱.
- شواتس، پاول. جغرافیای تاریخی فارس، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۲.
- شیروانی، میرزا زین العابدین. ریاض السیاحه، تصحیح حامد ربانی، تهران: سعدی، بی تا.
- صادقی، یونس. «بازخوانی وقف نامه بقعه شیخ دانیال در خنج فارس»، وقف میراث جاویدان، س ۲۴، ش ۹۵-۹۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.
- صور الاقالیم (هفت کشور). تصحیح دکتر منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایرانی، ۱۳۵۳.
- قزوینی، محمد. یادداشت‌ها، به کوشش ایرج افشار و دانشگاه تهران، ج ۹، تهران: بی تا، بی تا.
- لسترنج، گای. جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
- لعلی بدخشی، لعل بیگ. ثمرات القدس من شجرات الانس، مصحح: کمال حاج سید جوادی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۶.
- لمبتن، آن. تلاوم و تحول در تاریخ ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر نی، ۱۳۷۲.
- محمود بن عثمان. فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه، به کوشش ایرج افشار، تهران: کتابخانه دانش، ۱۳۵۸.
- مخلصی، محمدعلی. «بقعه شیخ دانیال خنج و منار تاریخی آن (با تأکید بر کتیبه‌های تاریخی آن)»، مجموعه مقالات متون و کتیبه‌های دوران اسلامی، تهران: پژوهشکده زبان و گویش با همکاری اداره کل امور فرهنگی، ۱۳۸۵.
- مستوفی، حمدالله. تاریخ گزیده، مصحح عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- _____ نزهه القلوب، تصحیح و تحشیه گای لسترانج، تهران: اساطیر، ۱۳۸۹.
- مصطفوی، محمدتقی. اقلیم پارس، تهران: نشر اشاره، ۱۳۷۵.
- علیشاه، محمد معصوم. طرائق الحقائق، ج ۳، بی تا: کتابخانه سنایی، بی تا.
- مقدسی، محمد بن احمد. احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، چاپ سوم، بیروت: دار صادر، بی تا.
- منشی کرمانی، ناصرالدین. سمط العلی للحضرة العلیا، مصحح: عباس اقبال آشتیانی، زیر نظر محمد قزوینی، تهران: اساطیر، ۱۳۶۲.
- میرزا ابوالقاسمی، محمدصادق. کتیبه‌های یادمانی فارس، تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۷.
- نسخه خطی تذکره منظم شیخ محمد ابونجم. نیمه دوم قرن دهم هجری، تحت تملک شیخ جعفر ابونجمی از معتمدین محلی خنج.
- نسخه خطی تذکره نثر شیخ محمد ابونجم. کاتب جعفر خلف تاج‌الدین بن جعفر ابونجمی، ۱۲۸۷ق، تحت تملک شیخ جعفر ابونجمی از معتمدین محلی خنج.
- نسخه خطی سفینه روح‌الله. کتابخانه مرکزی دانشگاه تبریز، بی تا.
- نطنزی، معین‌الدین. منتخب التواریخ، چاپی تهران: اساطیر، ناشر دیجیتالی: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، بی تا.
- وثوقی، محمدباقر، خنج گذرگاه باستانی لارستان، قم: خرم، ۱۳۷۴.

_____ علل و عوامل جابه‌جایی کانون‌های تجاری در خلیج فارس، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۸۹.
و ثوقی، محمدباقر و یونس صادقی، «معرفی طریقت شمسویه در گرمسیرات ایالت فارس از قرن هشتم تا اواخر قرن نهم هجری، با تأکید بر تذکره‌های نویافته»، پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، س ۹، ش ۱، پیاپی ۱۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، ص ۷۹-۹۸.
همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. جامع‌التواریخ (تاریخ سلغریان فارس)، مصحح محمد روشن، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۹.
یزدی، شرف‌الدین علی. ظفرنامه، تهران: ناشر چاپی، مرکز اسناد مجلس، اصفهان: ناشر دیجیتال، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، بی‌تا.

Aubin, Jean. "La survie de shilsu et la ruote du khunj-o-Fal", *Iran*, No. 7, London: 1969, pp. 21-37.

Calmard, J. *Encyklopedia of Islam*, New edition, vol. 5, pp. 665-675.

Kauz, Ralph. *Aspects of the Maritime Silk Road: From the Persian Gulf to the East china Sea*, Wiesbaden: Harrassowitz Verlag, 2010.

Teixeira, Pedro. *kings of Hormuz*, translated by. W.F. Sinclair, London: 1958.



مناره شیخ دانیال



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی